

دادرسی الکترونیک

به مثابه تهدیدی علیه عدالت قضایی

احمد رضا موسوی^۱

مریم مهاجری^۲



boorenjani@chmail.ir

۱- کارشناس ارشد دانشگاه امام صادق

mohajerilaw@gmail.com.ir

۲- دانش آموزنده دکتری حقوق عمومی، مدرس حوزه و دانشگاه

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۸

چکیده:

به دنبال پیشرفت‌های روزافزون علم و فناوری، امروزه بسیاری از شهروندان بخش زیادی از فعالیت‌های روزمره خود را با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطاتی انجام می‌دهند. بهره‌گیری از این فناوری‌ها به عرصه قضایا نیز راه یافته و باعث شکل‌گیری مفهوم جدیدی با عنوان «دادرسی الکترونیک» شده است. اکنون در برخی از دادگاه‌ها، جلسات دادرسی به شیوه الکترونیکی برگزار می‌شود و پیش‌بینی می‌شود در آینده تعداد این جلسات افزایش چشمگیری داشته باشد. اینکه برگزاری جلسات دادرسی از طریق سامانه‌های ارتباطی چگونه ممکن است به تهدیدی علیه عدالت قضایی تبدیل شود، موضوع پژوهش پیش‌رو را تشکیل می‌دهد. در این پژوهش، نگارندگان تلاش می‌کنند با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، به این سؤال اساسی پاسخ دهند. الکترونیکی شدن جلسه دادرسی، به رغم تمامی مزایایی که دارد، دارای معایبی است که اگر چاره‌ای برای مرتفع کردن آن‌ها اندیشیده نشود، به تهدیدی علیه عدالت قضایی تبدیل خواهد شد. در پایان، نگارندگان پیشنهاد خود را برای بهره‌گیری مطلوب از سامانه‌های الکترونیکی در برگزاری جلسات دادرسی، ارائه کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: دادرسی الکترونیک، اطاله دادرسی، کیفیت دادرسی، عدالت قضایی.

مقدمه

امروزه افزایش دعاوی مطروحه در دادگاه‌ها، دستگاه قضا را با معضلات و مشکلاتی جدی مواجه کرده؛ از جمله اینکه سرعت دادرسی بسیار کاهش یافته است، به گونه‌ای که گاهی رسیدگی و صدور حکم برخی دعاوی نسبتاً ساده نیز چندین سال طول می‌کشد و از این رو کیفیت دادرسی کاهش می‌یابد. برای افزایش سرعت و بهبود کیفیت دادرسی، دکترین حقوقی همواره در تلاش است راه‌هایی بیابد که ذی‌حق بتواند در کوتاه‌ترین زمان و به بهترین حالت ممکن، به حقوق خود دست یابد.

با پیشرفت روزافزون علم و فناوری، ابزارهایی در اختیار بشر قرار گرفته که استفاده از آن‌ها موجب تسریع در روند امور می‌شود. اهمیت فناوری اطلاعات به لحاظ افزایش سرعت و دقت عملکرد سازمان‌ها و بالا بردن بهره‌وری آن‌ها به روشنی مشخص شده است. سازمان‌هایی که مخاطبان یا بخش‌های مختلف آن‌ها در مناطق جغرافیایی گوناگون قرار دارند یا مؤسسه‌هایی که موظف به انجام کارهای متنوع و متعددند، بسیاری از مشکلات خود را از طریق این فناوری رفع می‌کنند. عرصه قضای نیز از این امر بی‌نصیب نمانده و سعی کرده است با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، چتر عدالت قضایی را با سرعت بیشتری بگستراند. از جمله این ابزارها سامانه‌های ارتباطی ای همچون ویدئو کنفرانس است تا افرادی که امکان حضور فیزیکی ندارند، از حق حضور در جلسه دادرسی محروم نشوند. به این طریق، شرکت کنندگان در دادرسی، اعم از قضات، طرفین دعوی، وکلای ایشان، شهود و... می‌توانند به صورت برخط در جلسه دادرسی شرکت کنند. امروزه به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه قضا به قدری اهمیت دارد که برخی حتی آن را شاخصی پویا در اندازه‌گیری کیفیت دادرسی در قوه قضاییه قلمداد می‌کنند. (Fabri & Contini, 2003, p.2)

برگزاری جلسات دادرسی با بهره‌گیری از سامانه‌های ارتباطی، سال‌هاست در برخی کشورها، مانند قسمت‌هایی از ایالت متحده آمریکا، کانادا و استرالیا، اجرامی شود^۱

۱. برای مطالعه بیشتر نک: صالحی و ابراهیمی، امکان‌سنجی بهره‌گیری از فضای مجازی در فرایند دادرسی کیفری،

(سرخوش منجق تپه و داودی گرمارودی، ۱۳۹۸، ص ۵۵). در کشور مانیز، در فصل هشتم قانون برنامه پنج‌ساله توسعه، در بند «ک» ماده ۲۱۱ به کارگیری سامانه‌های الکترونیکی برای کاهش و استانداردسازی زمان دادرسی، پیش‌بینی شده است و نظام قضایی باید به صورت تدریجی در این راستا حرکت کند (مهاجری، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۲۴۸).

اینکه برگزاری جلسات دادرسی از طریق سامانه‌های ارتباطی، چگونه ممکن است به تهدیدی علیه عدالت قضایی تبدیل شود، سؤال اساسی پژوهش پیش‌رو را تشکیل می‌دهد و پژوهشگران با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای به آن پاسخ خواهند داد. در این راستا لازم است موضع نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در قبال دادرسی الکترونیک و چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن محتوای رأی صادره از دادگاه، در جلساتی که از طریق سامانه‌های ارتباطی برگزار می‌شود، تبیین شود. لازم به ذکر است که شرایط اضطراری، به لحاظ تخصصی از موضوع این پژوهش خارج است؛ مانند زمانی که در اثر شیوع بیماری‌های فراگیر، همچون کرونا، برگزاری جلسات دادرسی به شکل حضوری برای شهروندان مخاطره‌آمیز است.

نتیجه حاصل از این پژوهش افزون بر آنکه به آسیب‌شناسی دادرسی الکترونیکی کمک می‌کند، برای پژوهشگران و مسئولان دستگاه قضا در جهت ایجاد ساختاری عادلانه در زمینه دادرسی الکترونیک مفید خواهد بود.

۱. پیشینه دادرسی الکترونیکی در ایران

در سال ۱۳۸۰، رئیس وقت قوه قضاییه به یک گروه مأموریت دادند که مشکلات و معضلات موجود در این قوه را بررسی کنند. در این گروه نوزده نفره، شش نفر کارشناس مسائل سیستمی و سیزده نفر کارشناس حقوقی حضور داشتند. آنان در مجتمع قضایی شمیران حضور یافتند و به بررسی سیستمی و گردش پرونده‌ها پرداختند. «نتیجه تلاش یک‌ساله این گروه، انتشار ۱۳ جلد کتاب، شامل ۱۱ جلد مطالعات استراتژیک، یک جلد مطالعات تطبیقی از ۲۰ کشور جهان و یک جلد کتاب^۳ تحلیل و بررسی مشکلات

موجود و راهکارهای آینده بود» (غنیان، ۱۳۸۷، به نقل از زاده حسین علیایی و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰). در این کتاب‌ها مسائل و مشکلات موجود بر سر راه توسعه قضایی کشور به تصویر کشیده شد و هشت استراتژی برای حل این مشکلات پیشنهاد گردید. مکانیزه کردن قوه قضاییه یکی از این استراتژی‌ها بود. به منظور تحقق این امر، چندین طرح تعریف شد. یکی از طرح‌های این بخش، دادگاه الکترونیک بود. به همین دلیل، قوه قضاییه در سال ۱۳۸۱ طرح سیستم مدیریت پرونده قضایی را مطرح کرد. این سیستم که از آن به عنوان دادرسی الکترونیک یاد می‌شود، بر الکترونیکی شدن برخی از مراحل دادرسی استوار بود. با وجود تعریف کارکردهای متعدد برای این سیستم، در ابتدا قوه قضاییه از آن فقط برای تبادل اطلاعات و انجام امور اداری خود استفاده می‌کرد. اما در سال ۱۳۹۱ با انتشار آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیکی قضایی، امکان استفاده مردمی از این سیستم را نیز فراهم آورد. با اینکه این آیین‌نامه برای الکترونیکی کردن و سرعت بخشیدن به دادرسی، موارد متعددی از قبیل ایجاد دفاتر الکترونیکی مربوطه، طرح و ثبت دعاوی حقوقی و کیفری، امضا، ابلاغ، احضار الکترونیکی و دریافت هزینه دادرسی به صورت الکترونیکی را در بر می‌گرفت، در عمل، دفاتر خدمات قضایی تأسیس شده بر اساس این آیین‌نامه، فقط منحصر به ثبت پرونده‌های حقوقی، دریافت هزینه دادرسی، امضای الکترونیکی و ارائه شماره پیگیری برای مشاهده روند دادرسی از طریق سامانه بود (زاده حسین علیایی و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰).

در سال ۱۳۹۰، قوه قضاییه طرح راهبرد و اهداف برنامه پنج‌ساله قوه را تصویب و ابلاغ کرد. در سال ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید. در ماده ۶۵۹ این قانون، بهره‌گیری از ویدئو کنفرانس و سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی در دادرسی پیش‌بینی شد. در همین سال، قانون آیین دادرسی کیفری نیز تصویب شد که در بخشی از آن (مواد ۶۴۹ تا ۶۶۳) به آیین دادرسی الکترونیکی پرداخته شده بود. ماده ۱۷۵ این قانون استفاد از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را بلامانع دانست و بالاخره در سال ۱۳۹۵، در راستای

اجرای این ماده و ماده ۱۷۶، «آیین نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی» به تصویب رئیس وقت قوه قضاییه رسید. با این حال، دادگاه‌ها تمایل زیادی به برگزاری جلسات دادرسی از طریق سامانه‌های الکترونیکی نداشتند و صرفاً در موارد خاص به این امر مبادرت می‌کردند؛ مانند زمانی که متهم در زندان به سر می‌برد و زندان نیز به سامانه‌های ارتباطی مجهز بود.

در اواخر سال ۱۳۹۸ در پی انتشار و گسترش ویروس کرونا و خطرناک بودن حضور مردم در اماکن عمومی، مانند دادگاه‌ها، به ناچار برخی از جلسات دادرسی با استفاده از سامانه‌های ارتباطی برگزار شد که البته به دلیل مهیا نبودن زیرساخت‌های فنی، آشنا نبودن قضات و اصحاب دعوی به جزئیات دادرسی الکترونیک و مقتضیات آن و... تجربه موفق نبود. از آنجا که ویروس منحوس کرونا همچنان در حال گسترش است و روزانه جان تعداد زیادی از هموطنان عزیزمان را می‌گیرد، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی برای برگزاری جلسات دادرسی همچنان ادامه دارد. تجربیات نگارندگان حاکی از این است که برخی از شعب دادگاه‌ها، اصحاب دعوی را مخیر می‌کنند که در جلسه دادرسی به‌طور حضوری شرکت کنند یا مطالب خود را از طریق سامانه‌های الکترونیکی بیان نمایند. اما برخی از شعب در ابلاغیه درج می‌کنند که جلسه دادرسی صرفاً از طریق سامانه‌های الکترونیکی برگزار می‌شود و اصحاب دعوی امکان حضور در محل دادگاه را ندارند. تا کنون بسیاری از دادگاه‌ها به سامانه‌های الکترونیکی مجهز شده‌اند و بعضاً آموزش‌های لازم به قضات ارائه شده است.

۲. مفهوم دادرسی الکترونیک

دادرسی به معنای رسیدگی به تظلم خواهی است. این مقوله در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود. دادرسی در معنای عام مرادف با آیین دادرسی است و در واقع به معنای فرایندها و تشریفات است که باید به منظور اعمال قانون بر موضوع مورد نزاع، اجرا شود. دادرسی در معنای خاص ناظر به محتوای رسیدگی به دعاوی است و به رسیدگی قضایی

به امور موضوعی و حکمی میان اصحاب دعوی اشاره دارد (اسمعیلی و پور قهرمانی، ۱۳۹۸، ص ۳۲).

دادرسی الکترونیکی به معنای تغییر در ماهیت رسیدگی نیست، بلکه تغییر در شکل رسیدگی است و توان قضایی متفاوتی دارد. در این نوع از دادرسی، اصل بر حضور غیر فیزیکی در طول دادرسی است. برای تحقق این امر نیز از فناوری‌های رایانه‌ای و اینترنتی استفاده می‌شود؛ به این صورت که از مرحله طرح دعوی تا مرحله صدور حکم، فرایند دادرسی به شیوه الکترونیکی و غیر حضوری انجام می‌شود (زاده حسین علیایی و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸). دادرسی الکترونیکی را می‌توان به طور مختصر چنین تعریف کرد:

منظور از دادرسی الکترونیکی، بهره‌برداری از ابزارها و روش‌های الکترونیکی ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوی در دادگاه و انجام فرایند دادرسی، از تسلیم دادخواست و شکوائیه و ابلاغ اوراق قضایی تا رسیدگی به دعوی و دلایل و صدور رأی و اجرای آن، است (زرکلام، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱).

۳. دادرسی الکترونیکی در قوانین جاری

ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر کرده است: «به کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت مطمئن سوابق صورت گیرد.» این ماده در مقام حصر است؛ بنابراین بهره‌گیری از سامانه‌های ارتباطی، مانند ویدئو کنفرانس، فقط در زمینه تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت شهود و نظرات کارشناسی امکان پذیر است و نمی‌توان با وحدت ملاک گرفتن از موارد مصرح در این ماده، حکم بیان شده را به مواردی که بیان نشده است، تسری داد.

ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز بیان داشته است: «چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی-تصویری زنده و یا ضبط شده، با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است.» بنا بر تصریح این ماده، اخذ شهادت از شهود به صورت

غیر حضوری، منوط به آن است که شهود از حضور در محل دادگاه متعذر باشند، اما بنا بر ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، استماع شهادت شهود از طریق غیر حضوری، منحصر به زمان تعذر نیست. به نظر می‌رسد که حالت تعذر در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی، به سبب غلبه است و موضوعیت ندارد.

بر اساس این دو ماده می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذار اصل به کارگیری ویدئوکنفرانس را در دعاوی پذیرفته است، اما به لحاظ حساسیت دعاوی کیفری و آثار مهمی که ممکن است در پی داشته باشد، به کارگیری آن را منحصر به برخی مراحل رسیدگی به دعوی دانسته است، نه همه مراحل.

قوانین حقوقی در مورد استفاده از سامانه‌های ارتباطی ساکت است؛ زیرا در زمان تصویب این قوانین، هم استفاده از این سامانه‌ها رواج نداشته و هم مشکلاتی همچون اطلاع دادرسی در سطح بالایی مطرح نبوده است. اما این سکوت به معنای عدم جواز به کارگیری سامانه‌های ارتباطی در دعاوی حقوقی نیست؛ زیرا اولاً تبصره ۱ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص تفاوتی بین دعاوی کیفری و حقوقی قائل نشده و مقرر کرده است: «در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود...»؛ ثانیاً منعی برای تسری برخی از تدابیر پیش‌بینی شده در قوانین کیفری به قوانین حقوقی وجود ندارد؛ ثالثاً دعاوی کیفری به این دلیل که معمولاً به صورت مستقیم با نفس، عرض و ناموس انسان‌ها مرتبط است، حساسیت‌های ویژه‌ای می‌طلبد و با این حال استفاده از ویدئوکنفرانس در این دعاوی جایز دانسته شده است. به طریق اولی، در آن دسته از دعاوی، مانند دعاوی حقوقی، که این حساسیت‌ها وجود ندارد، استفاده از ویدئوکنفرانس قاعدتاً نباید با منعی روبه‌رو باشد (مهاجری، ۱۳۹۹، ج ۳، صص ۲۴۹-۲۵۰).

خلاصه آنکه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از سامانه‌های ارتباطی،

همچون ویدئو کنفرانس، در دعاوی کیفری، بنا بر تصریح قانون، با رعایت برخی شروط بلامانع است. در دعاوی حقوقی نیز هر چند استفاده از این سامانه‌ها در قوانین حقوقی پیش‌بینی نشده است، بر اساس تبصره ۱ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توان از این سامانه‌ها در حوزه‌های پیش‌بینی شده در ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، با رعایت شروط و قیود این ماده بهره برد.

۴. مزایای دادرسی الکترونیک

فرض کنید بین دو نفر که محل سکونت‌شان از هم دور است، دعوایی شکل بگیرد. در این زمان، باید بر اساس قواعد پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه صالح تعیین شود و سپس همان دادگاه رسیدگی را آغاز کند. پرواضح است که رفت و آمد به شهرهای دور دست با سختی‌ها و موانع متعددی روبه‌روست و به همین دلیل، معمولاً اصحاب دعوی سعی دارند دادگاه مستقر در آن حوزه قضایی را که خودشان در آن ساکن‌اند، به عنوان دادگاه صالح معرفی کنند. نگارنده کرا را با افرادی مواجه شده است که به دلیل بُعد مسافت، هزینه مسافرت و... نتوانسته‌اند در دادگاه صالح حضور یابند و به همین دلیل نیز محکوم شده یا از طرح دعوی منصرف شده‌اند. این در حالی است که اگر جلسه دادرسی از طریق سامانه‌های ارتباطی برگزار شود، اصحاب دعوی مجبور به مسافرت و پرداخت هزینه‌های آن نمی‌شوند (Robertson, 2012, p. 3). گاهی در رویه عملی دیده می‌شود شخصی که در حوزه قضایی محل استقرار دادگاه سکونت دارد، به این امتیاز به عنوان برگ برنده می‌نگرد. در چنین زمانی، بسیاری از شهروندان ترجیح می‌دهند همه مراحل دادرسی یا قسمت عمده آن از طریق سامانه‌های الکترونیکی انجام شود. در دنیای معاصر که بسیاری از مردم، ادارات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی، قسمت زیادی از فعالیت‌های خود را، به ویژه در حوزه امور اقتصادی و خدماتی، با بهره‌گیری از ظرفیت سامانه‌های الکترونیکی انجام می‌دهند، استفاده از این سامانه‌ها، آثار مورد انتظار را برای آنان به دنبال داشته است. برخی از مزایای بهره‌گیری از سامانه‌های

ارتباطی در دادرسی عبارت‌اند از: کاهش بار مالی ناشی از دادرسی که بر اصحاب دعوی و بر دستگاه قضا تحمیل می‌شود؛ افزایش سرعت دادرسی؛ شفافیت دادرسی؛ کاهش فساد اداری؛ کاهش اندازه فیزیکی مخازن اطلاعات؛ امکان ذخیره اتفاقات رخ داده در دادگاه؛ قابلیت پخش مکرر اتفاقات دادگاه؛ محدود نبودن نحوه دادرسی به مرزهای جغرافیایی (شبان، ۱۳۸۷، ص ۵، ۲۱۴، p. 2009, Hornle).

۵. تردید در صحت آرای صادره از طریق دادرسی الکترونیک

با اینکه برگزاری جلسات دادرسی از طریق سامانه‌های الکترونیکی، راهی مناسب برای حل برخی از معضلات و مشکلاتی است که نظام قضایی ما با آن روبه‌روست و حتی در مواقع اضطراری چاره‌ای جز توسل به آن نیست، به کارگیری این سامانه‌ها با برخی چالش‌ها نیز همراه است.^۱ بی‌شک مهم‌ترین اهداف دادرسی آن است که مظلوم به حق خود برسد، نظم بر جامعه حاکم شود و ارزش‌های حاکم بر جامعه پاسداری گردد. اما گاهی اوقات برگزاری جلسات دادرسی از طریق سامانه‌های الکترونیکی، به دلیل کاستی‌ها و اقتضائات متفاوتی که دارد، نه تنها ما را در رسیدن به این اهداف مهم یاری نمی‌کند، گاه این ارزش‌ها را به مذبح هم می‌برد؛ به عبارت دیگر، صحت آرای صادره از محاکم را با تردیدهای جدی مواجه می‌کند. در ادامه، به چهار مورد از کاستی‌های سامانه‌های الکترونیکی که صحت آرای قضایی را مورد تردید قرار می‌دهند، پرداخته می‌شود.

۱-۵. سخت شدن اثبات صحت و سقم سخنان اصحاب دعوی

ارتباط مستقیم و بی‌واسطه یکی از راه‌هایی است که به کشف حقیقت کمک می‌کند.

۱. در دادگاه میسیگان ایالت متحده آمریکا نیز برای بازه زمانی معینی، دادرسی الکترونیکی به صورت آزمایشی اجرا شد تا نظر اصحاب دعوی، قضات، هیئت منصفه و... درباره کیفیت و نتیجه دادرسی اخذ شود. بعضی از مشکلاتی که مانع توسعه این نحوه دادرسی شد، عبارت بودند از:

الف. ریسک پذیر بودن استفاده از دادگاهی که تا کنون فردی از آن استفاده نکرده؛

ب. بی‌اطلاعی از هزینه‌های این دادگاه؛

پ. بی‌اطلاعی از نحوه استفاده از این دادگاه. (Ponte, 2003, V. 4, p. 75)

از منظر علم روان‌شناسی، دیدن چهره افراد در گیر دعوا از نزدیک، دارای آثاری است؛ از جمله اینکه به راحتی می‌توان فشار روانی آنان، حرکات صورت و دست، لرزش صدا و... را مشاهده کرد و این موضوع در تشخیص صحت و سقم کلام آن‌ها مؤثر است. این تشخیص، در حضور فیزیکی بیشتر تحقق می‌یابد (مهرافشان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰).

بر اساس یافته‌های روان‌شناسان، برای تشخیص صحت و سقم کلام در هر فردی، سه شاخصه روانی صورت، بدن و صدا قابل بررسی‌اند. صدا رخنه‌پذیرترین این شاخص‌هاست. پس تشخیص دروغگویی اشخاص از طریق صدایشان محتمل‌تر است. در مقابل، اعضای بدن قابلیت کنترل بیشتری دارند؛ یعنی کمتر می‌توان از حرکات بدن به دروغگویی شخص پی برد. صورت نیز بین این دو شاخص قرار دارد. حرکت چشم، حرکت بدن و نداشتن تمرکز در نگاه کردن به یک نفر و مانند آن‌ها، لزوماً نشان‌دهنده دروغ و فریب نیست. افراد دروغگو معمولاً به این دلیل که از حساسیت دیگران به حرکات بدنی‌شان آگاه‌اند، از این حرکات پرهیز می‌کنند. به همین دلیل، تمرکز بر حرکات صورت و بدن برای فهم دروغگویی، در اکثر موارد بی‌فایده است و باید بر صدای فرد تمرکز کرد. (Roth, 2000, pp. 207-208).

حال پرسشی که پیش می‌آید این است: صدای لرزان و فاقد کنترل که ناشی از دروغگویی باشد، چه زمانی ایجاد می‌شود؟ مسلماً این حالت بیشتر زمانی رخ می‌دهد که افراد در گیر دعوا با هم روبه‌رو و چهره‌به‌چهره شوند؛ بنابراین در صورتی که جلسه دادگاه از طریق ویدئو کنفرانس برگزار شود، آسان‌تر می‌توان دروغ گفت و قاضی نیز به سختی می‌تواند به کذب بودن این سخنان پی ببرد (مهرافشان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲).

۲-۵. عدم مواجهه اصحاب دعوی با یکدیگر و با شهود

شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در اکثر نظام‌های حقوقی، مانند نظام حقوقی ما، پذیرفته شده است. هر چند اعتبار شهادت شهود به عنوان یکی از دلایل پر استفاده در نظام قضایی به علت وجود سوگیری احتمالی و روابط پیشین شاهد با طرف

دعوی و امثال آن ممکن است مورد تردید واقع شود (مؤذن زادگان و حسامی، ۱۳۸۷، ص ۷۱)، باز هم با توجه به واقعیت‌های عملی، به صورت گسترده از این دلیل برای اثبات جرایم و تظلم‌خواهی در محاکم استفاده می‌شود (کوشکی و امینی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶). در برخی از نظام‌های حقوقی، مواجهه شاهد و متهم الزامی است^۱، اما در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مواجهه شاهد و اصحاب دعوی، به عنوان اصلی فراگیر پذیرفته نشده است؛ برای مثال در ماده ۲۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده: «باز پرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند...» همچنین در ماده ۲۱۴ همین قانون یکی از تدابیری که برای حفاظت از شاهد و مطلع در برابر آسیب‌های احتمالی از جانب متهم، در نظر گرفته شده، این است که مواجهه حضوری بین آن‌ها اتفاق نیفتد. به هر حال مواجهه بین شهود و اصحاب دعوی و همچنین مواجهه اصحاب دعوی با یکدیگر، در کشف حقیقت تأثیر بسزایی دارد.

در مواجهه حضوری، اصولاً یکی از اهدافی که تعقیب می‌شود این است که اصحاب دعوی بتوانند به راحتی از شاهد یا طرف مقابل، سوالات متعددی بپرسند تا در صورتی که آن شخص دروغ گفته باشد، این امر بر قاضی مکشوف شود و همچنین حقایق را که ممکن است به نفع‌شان باشد، حسب مورد، از شاهد یا طرف مقابل اخذ کنند (اسمعیلی و پورقهرمانی، ۱۳۹۸، ص ۴۱). مواجهه بین شهود و اصحاب دعوی و مواجهه اصحاب دعوی با یکدیگر در دادرسی الکترونیک به نحو مطلوب رخ نمی‌دهد.

در اکثر دعاوی معمولاً اشخاص برای اثبات مدعای خود به سند متوسل می‌شوند، اما در برخی دیگر از دعاوی، سند وجود ندارد و باید به شهادت شهود و اقرار متوسل شد؛ در نتیجه دادگاه برای پی بردن به حقیقت، باید از ادعاها و اقرار خود اصحاب دعوی و شهادت شهود

۱. برای مثال اصل ۶ اصلاحی قانون اساسی آمریکا (amendment sixth) یکی از اصول دادرسی را مواجهه بین

شاهد و متهم دانسته است:

“In all Criminal Prosecutions, the Accused Shall Enjoy the Right... to be Confronted with the Witnesses Against him.”

استفاده کند. بنا بر آنچه گفته شد، در جلسات غیر حضوری، قاضی بسیار سخت‌تر می‌تواند به صحت و سقم این ادعاها و اقرار پرو و شهادت شهود پی ببرد (مهاجری، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۲۵۵).

۳-۵. عدم انتقال احساسات

یکی از مهم‌ترین مشکلات برگزاری جلسه دادرسی از طریق سامانه‌های ارتباطی، آثار روانی ناشی از این وضعیت است؛ زیرا ارتباط زنده تصویری هیچ‌گاه نمی‌تواند مبین تمام واقعیت‌هایی باشد که ماهیت اختلاف طرفین یا ذهنیت متخلف را تشکیل می‌دهد (شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۴). برخی انسان‌ها به سختی می‌توانند احساسات خود را مکتوب کنند و معمولاً مخاطب نوشته هم احساسات نگارنده را به خوبی درک نمی‌کند. وقتی از نگارنده خواسته شود همان مطالب را از طریق تماس تلفنی به مخاطبش بگوید، قدری از نارسایی‌ها کاسته می‌شود و اگر از طریق ویدئو کنفرانس بخواهند به این امر مبادرت کنند، نواقص کمتر می‌شود، اما باز هم تا حدودی نارسایی وجود دارد و در مواجهه حضوری، این نارسایی‌ها به حداقل می‌رسند. این موضوع دقیقاً درباره جلسات رسیدگی به دعاوی در محاکم نیز صدق می‌کند. اصحاب دعوی در جلسه‌ای که با کمک سامانه‌های الکترونیکی برگزار شده است، به سختی می‌توانند منظور خود را به قاضی انتقال دهند؛ به‌ویژه اگر در منظور و مقصود آنان احساسات نیز نهفته باشد یا رفتاری مرتکب شده باشند که تابع احساسات است.

ویدئو کنفرانس برای قاضی و کسانی که بارها در دادگاه آن را تجربه کرده‌اند، استرس خاصی به همراه ندارد، اما برای شخصی که نخستین بار آن را تجربه می‌کند، دارای اثر روانی و استرس‌زاست (مهرفشان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵)؛ به‌ویژه اینکه در جامعه ما شهروندان زیاد به دادگاه مراجعه نمی‌کنند و ممکن است همان دفعات اندک نیز تحت تأثیر استرس و بار روانی ناشی از ویدئو کنفرانس قرار بگیرند.

فرایند دادرسی معمولاً برای همگان به خودی خود امری استرس‌زاست؛ زیرا هر یک از طرفین به دنبال اثبات مدعای خویش و محکوم کردن طرف مقابل است. قاضی نیز با بررسی

ادله و اظهارات طرفین در پی کشف واقعیت و صدور حکمی مطابق با واقع است. از طرف دیگر، انسان‌ها معمولاً هنگامی که در مقابل دوربین قرار می‌گیرند، نمی‌توانند طبیعی و عادی رفتار کنند؛ به‌ویژه افرادی که تجربه این امر را ندارند. حال اگر قرار باشد برای جلسه دادرسی در مقابل دوربین و میکروفون قرار بگیرند، به‌مراتب بر میزان فشار روانی‌شان افزوده می‌شود، به‌گونه‌ای که ممکن است در قدرت تحلیل و تفکر آن‌ها اختلال ایجاد شود.

در برخی از دعاوی، اخلاق و احساسات اصحاب دعوی جایگاه مهمی دارد؛ برای مثال اگر زنی به دلیل اینکه همسرش بسیار تندخو و بداخلاق است، دچار عسر و حرج شود و مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی تقاضای طلاق داشته باشد، در جلسه‌ای که از طریق سامانه‌های ارتباطی برگزار می‌شود، معمولاً نمی‌توان متوجه شد که آیا واقعاً زوج بداخلاق و تندخوست یا خیر.

۱.۴-۵ احساس حضور نداشتن در دادگاه

حضور فیزیکی در دادگاه دارای اثر خاصی است که در ویدئو کنفرانس دیده نمی‌شود. ظاهر دادگاه انتقال‌دهنده احساس حاکم بر دادگاه است و چه بسا خود این موضوع، قاطعیت و جذبه نظام قضایی را منتقل کند (Bowen Poulin, 2003-2004, pp. 1133-1134). معمولاً جلسات غیر حضوری آن قدر که لازم است، جدی گرفته نمی‌شوند و اصحاب دعوی در این جلسات، برخلاف جلسات حضوری، خود را در مقابل کسی که واقعاً قاضی است و حکمش آثار مهمی در زندگی خانوادگی او و اطرافیانش به دنبال خواهد داشت، نمی‌بینند؛ در نتیجه، آن مطالبی را که ممکن است در جلسه حضوری بیان کنند، در جلسه غیر حضوری بر زبان نمی‌آورند؛ زیرا هنوز به این باور نرسیده‌اند که واقعاً در یک دادگاه حضور دارند و آن را بیشتر شبیه یک فیلم می‌بینند.

با این توضیحات می‌توان گفت جلسات رسیدگی به دعوی‌ای که از طریق ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های الکترونیکی برگزار می‌شوند، کیفیت جلساتی را که به صورت فیزیکی برگزار می‌شوند، ندارند و طبیعتاً آثار مورد انتظار را نیز در پی نخواهند داشت.

۶. نتیجه

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، به کارگیری سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی برای تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود و دریافت نظرات کارشناسی پذیرفته شده است، اما برای برگزاری جلسه دادرسی از این طریق، نص قانونی وجود ندارد. برگزاری جلسه دادرسی از طریق سامانه‌های ارتباطی، به دلیل مزایای متعددی که دارد، می‌تواند یاریگر دستگاه قضا در توسعه عدالت باشد، اما این شیوه دادرسی با حساسیت‌ها و چالش‌های ویژه‌ای همراه است. سخت شدن اثبات صحت و سقم سخنان اصحاب دعوی برای قاضی، عدم مواجهه اصحاب دعوی با یکدیگر و با شهود، عدم انتقال احساسات و احساس حضور نداشتن در دادگاه واقعی، از مهم‌ترین آسیب‌هایی هستند که جلسه دادرسی الکترونیکی با آن‌ها مواجه است. این آسیب‌ها بر محتوای آرای صادره از محاکم تأثیر منفی می‌گذارند و می‌توانند صحت آرای صادره از محاکم را با تردیدهای جدی مواجه کنند. در صورتی که تدابیر مناسبی برای این چالش‌ها اتخاذ نشود، برگزاری جلسه دادرسی از طریق سامانه‌های الکترونیکی به تهدیدی علیه عدالت قضایی تبدیل خواهد شد و آن‌گاه عدالت اقتضای می‌کند که جلسه دادرسی به این نحو برگزار نشود. پیشنهاد می‌شود که در حالت معمول، جلسات دادرسی به شیوه حضور بر گزار شود و در صورتی که برای حضور در دادگاه موانعی مانند بُعد مسافت، مریض بودن یکی از اصحاب دعوی و... وجود داشته باشد، هر یک از اصحاب دعوی که با این موانع مواجه نیست، در محل دادگاه حضور یابد؛ یعنی اصل بر حضوری بودن جلسه دادرسی باشد و الکترونیکی بودن، امری استثنایی محسوب شود.

منابع

۱. اسمعیلی، اکبر؛ پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۸). چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۷، ۲۹-۵۹.
۲. زاده حسین علیایی، زهرا؛ احمدی، احمد (۱۳۹۷). دادرسی الکترونیک در حقوق ایران، مبانی،

- اهداف و ویژگی‌ها: فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم تحقیقات)، ۳۵، ۱۱۷-۱۳۶.
۳. زر کلام، ستار (۱۳۹۱). دادرسی‌های الکترونیکی؛ ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌ها. *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۹ (۳)، ۱۲۹-۱۵۰.
۴. سرخوش منجق تپه، بهنام؛ داودی گرمارودی، هما (۱۳۹۸). بررسی فقهی تشکیل جلسه دادرسی به شیوه الکترونیکی. *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۱۲ (۴۳)، ۷۹-۵۵.
۵. شبانی، مجید (۱۳۸۷). *مقایسه دادگاه الکترونیکی و سنتی و بررسی آن در دادگستری ایلام*. ایلام: انتشارات دادگستری ایلام.
۶. شهبازی نیا، مرتضی؛ غمامی، مجید؛ جوان، صدیقه (۱۳۹۶). فناوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی. *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۲ (۷۹ و ۸۰)، ۱۲۱-۱۴۸.
۷. صالحی، محمدخلیل؛ ابراهیمی، مریم (۱۳۹۵). *امکان‌سنجی بهره‌گیری از فضای مجازی در فرایند دادرسی کیفری*. قم: دانشگاه قم.
۸. غنیان، مهدیه (۱۳۸۷). *بررسی میزان تعاملی بودن سایت دادگستری ایران*. ایلام: انتشارات دادگستری ایلام.
۹. کوشکی، غلامحسین؛ امینی، زهرا (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی حمایت از شهود در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و منشور شهود انگلستان*. پژوهش حقوق کیفری، ۶ (۲۱)، ۱۱۵-۱۵۳.
۱۰. مهاجری، مریم (۱۳۹۹). *واکاوی زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی در وضعیت ناشی از کرونا، آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و کاربردها*. ج ۳. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. مؤذن زادگان، حسنعلی؛ حسامی، زهرا (۱۳۸۷). *تضمینات حقوق بشری تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری ایران و سوریه*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۲. مهرافشان، علیرضا (۱۳۹۰). *دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی*. فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه سمنان، ۵، ۱۱۹-۱۴۶.

۱۳. واحدی دهکردی، راضیه؛ عابدی نژاد مهرآبادی، زهرا (۱۳۹۴). دادگاه‌های الکترونیکی و نقش آن در پیشرفت پرونده‌های کیفری، اولین همایش اقتصاد مقاومتی دانش بنیان، تفرش.
14. Bowen Poulin, A. (2003-2004). Criminal Justice and Videoconferencing Technology Remote Defendant. *Tulane Law Review*, 78.
15. Fabri, M. & F. Contini (eds) (2003). Judicial Electronic Data Interchange in Europe: Applications, Policies and Trends, Bologna, Lo Scarabeo.
16. Hornle, J. (2009). *Cross-Border Internet Dispute Resolution*, Cambridge University Press.
17. Ponte, L. M. (2003). The Michigan Cyber Court: a Bold Experiment in the Development of First Public Virtual Court House. *North Carolina Journal of Law & Technology*, 4.
18. Robertson, C. B. (2012). The Facebook Disruption: How social Media May Transform Civil Litigation and Facilitate Access to Justice. *School of Law, Case Western Reserve University*.
19. Roth, M. (2000). *Laissez-Faire* Videoconferencing: Remote Witness Testimony and Adversarial Truth. *UCLA Law Review*. University of California, Los Angeles. School of Law, 48(1).